

Short Stories with Peter: The North Wind and the Sun

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

42 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Welcome to Short Stories with Peter, from Your English Toolbox.

به Your English Toolbox از Short Stories with Peter خوش آمدید.

Today, The North Wind and the Sun, an adaptation of a fable by Aesop.

امروز باد شمال و خورشید را می‌شنویم، اقتباسی از حکایتی از ازوپ.

Listen for the difference between forcing someone and persuading them.

به تفاوت میان مجبور کردن کسی و متقاعد کردن او گوش دهید.

One morning, the North Wind and the Sun looked down at a winding country road.

یک روز صبح، باد شمال و خورشید به جاده روستایی پیچ‌درپیچی در پایین نگاه کردند.

I am the stronger of us, because I can bend trees and shake houses.

من از تو قوی‌ترم، چون می‌توانم درخت‌ها را خم کنم و خانه‌ها را بلرزانم.

Perhaps strength can work in more than one way.

شاید قدرت بتواند به بیش از یک شکل عمل کند.

Below them, a traveller walked along the road with a cloak around his shoulders.

پایین‌تر از آن‌ها، مسافری با شنلی روی شانه‌هایش در جاده راه می‌رفت.

Whoever makes that traveller take off his cloak will win.

هرکدام آن مسافر را وادار کند شنلش را دریاورد، برنده می‌شود.

Then watch what I can do.

پس تماشا کن چه می‌توانم بکنم.

The Wind rushed down the road and pulled at the edges of the traveller's cloak.

باد با شتاب در جاده پیچید و لبه‌های شنل مسافر را کشید.

Dust rose, branches shook, and the traveller stopped walking.

گردوخاک بلند شد، شاخه‌ها لرزیدند و مسافر از راه رفتن ایستاد.

He held on to his cloak and wrapped it more tightly around himself.

شنلش را محکم گرفت و بیشتر دور خودش پیچید.



I only need to blow harder.

.....

فقط باید شدیدتر بوزم.

The Wind roared across the fields, but the traveller bent his head and held on even more firmly.

.....

باد در دشت‌ها زوزه کشید، اما مسافر سرش را خم کرد و شغل را محکم‌تر گرفت.

At last, the Wind grew tired and gave up.

.....

سرانجام باد خسته شد و دست از تلاش کشید.

Now let me try.

.....

حالا بگذار من امتحان کنم.

The Sun came out from behind a cloud and gently warmed the road.

.....

خورشید از پشت ابر بیرون آمد و به آرامی جاده را گرم کرد.

The traveller lifted his head and loosened his grip.

.....

مسافر سرش را بالا گرفت و دست‌هایش را کمی شل کرد.

As the air grew warmer, he opened his cloak and smiled.

.....

با گرم‌تر شدن هوا، شنلش را باز کرد و لبخند زد.

A little later, he took it off and carried it over his arm.

.....

کمی بعد آن را درآورد و روی بازویش انداخت.

You did not pull at it at all.

.....

تو اصلاً آن را نکشیدی.

I gave him a reason to take it off himself.

.....

به او دلیلی دادم تا خودش آن را دریاورد.

The Wind had pushed harder and harder, but the Sun had changed the situation.

.....

باد هر بار فشار بیشتری آورده بود، اما خورشید موقعیت را تغییر داده بود.

Sometimes, a gentle approach can achieve what force cannot.

.....

گاهی روشی ملایم می‌تواند به چیزی برسد که زور از پسش برنمی‌آید.

End of the story.

.....

پایان داستان.

Now, let's dive into the language and break down some of the key vocabulary from the story.

.....

حالا به زبان داستان بپردازیم و چند مورد از واژگان کلیدی آن را بررسی کنیم.

First, hold on to means keep a firm grip on something.

.....

اول، hold on to یعنی چیزی را محکم نگه داشتن.



The traveller held on to his cloak so the Wind could not take it.

مسافر شنلش را محکم گرفت تا باد نتواند آن را ببرد.

You might hold on to a handrail when a bus moves.

ممکن است هنگام حرکت اتوبوس، میله دستگیره را محکم بگیرید.

Second, give up means stop trying to do something.

دوم، give up یعنی دست از تلاش برای انجام کاری کشیدن.

The Wind gave up when blowing harder did not work.

باد وقتی شدیدتر وزیدن فایده‌ای نداشت، تسلیم شد.

After this phrase, we can use an ing form, as in give up trying.

بعد از این عبارت می‌توانیم شکل ing- فعل را بیاوریم، مثل give up trying.

Third, persuade someone to do something means get them to agree through reasons or a convincing approach.

سوم، persuade someone to do something یعنی با دلیل یا روشی قانع‌کننده کسی را به انجام کاری راضی کنیم.

You might persuade a friend to try a new activity by explaining why they would enjoy it.

می‌توانید با توضیح اینکه چرا فعالیت تازه‌ای لذت‌بخش است، دوستان را به امتحان کردن آن ترغیب کنید.

Notice the pattern: persuade someone, then to, then the action.

به ساختار توجه کنید: persuade someone, سپس to و بعد فعل کار.

Now complete the phrase: keep a firm grip on something means hold...

حالا عبارت را کامل کنید: محکم نگه داشتن چیزی یعنی hold...

On to it.

.On to it

And stop trying means give...

و دست از تلاش کشیدن یعنی give...

Up.

.Up

Think of a time when a gentle approach worked better than pressure.

به زمانی فکر کنید که روشی ملایم بهتر از فشار آوردن جواب داد.

Find the story, vocabulary and practice on our episode page through the link in the description.

داستان، واژگان و تمرین را از طریق پیوند توضیحات در صفحه اپیزود پیدا کنید.

Until next time, keep listening and keep your English growing.

تا دفعه بعد، به شنیدن ادامه دهید و بگذارید انگلیسی‌تان رشد کند.

